

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال یازدهم، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۸
صفحات: ۹۷-۱۱۶
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱۴؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۳/۱۰

بررسی نقش فداییان اسلام در جریان ملی شدن صنعت نفت در ایران از همگرایی تا واگرایی

محمدفاضل صدری* / صادق زیبا کلام** / ابوالقاسم طاهری*** / سید مصطفی ابطی****

چکیده

پژوهش حاضر با رهیافت جامعه‌شناسی سیاسی و با رویکرد توصیفی تحلیلی به بررسی نقش فداییان اسلام در نهضت ملی شدن صنعت نفت و سیرسینوسی آن از همگرایی تا واگرایی پرداخته است. فرضیه اصلی آن است که فداییان اسلام در مراحل اولیه نهضت در پیشبرد نهضت و رفع موانع آن گام‌های موثری برداشته لیکن پس از ملی شدن نفت این ائتلاف به دلایلی گسسته شده است. برخی یافته‌های پژوهش آنست که فداییان اسلام در ابتدای نهضت ملی با هدف مشترک نفی سلطه بیگانه با ائتلاف میان نیروهای ملی مذهبی با مشی مسلحانه در مبارزات نهضت ملی شرکت جست و عملکرد آن‌ها در راستای هم‌افزایی و همگرایی کنشگران سیاسی بوده لیکن با شکل‌گیری دولت ملی بتدریج شکاف میان آن‌ها و دولت بواسطه عدم تحقق اهداف مورد نظر فداییان آشکار و زمینه‌های واگرایی آن بها شکل گرفت.

کلیدواژه‌ها

فداییان اسلام؛ نواب صفوی؛ ملی شدن نفت؛ ایران.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
sadri.mfs@gmail.com

** استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول).
zibakalam2@gmail.com

*** استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
A-taheri@srbiau.ac.ir

**** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
m_abatahi@srbiau.ac.ir

مقدمه

از مهمترین منادیان اسلام سیاسی در دهه بیست و پیشگام این گفتمان در ایران که عمل و نظریه سیاسی را ادغام و به عنوان نخستین تشکلی که خواهان حکومت اسلامی بودند جمعیت فداییان اسلام بود که به رهبری نواب صفوی و به عنوان جریانی اسلام گرا در صحنه سیاسی کشور ظاهر شدند. هدف اولیه جمعیت، دفاع از اسلام در مقابل جریانات انحرافی غیر دینی خصوصاً جریان کسروی گری بود پس از قتل کسروی فداییان در جریان ملی شدن نفت با آیت ... کاشانی که رهبری جریان مذهبی نهضت را برعهده داشت و در قالب پارلمان‌ناریستی مبارزه با استعمار را آغاز کرده بود، پیوند خورد و در راستای برداشتن موانع نهضت ملی شدن نفت با جبهه ملی و ملیون نیز همکاری کرد هرچند پس از ملی شدن نفت این ائتلاف گسسته شد. در این پژوهش قصد داریم با رهیافت جامعه شناسی سیاسی و با روش اسنادی به بررسی نقش و عملکرد جمعیت فداییان اسلام در جریان ملی شدن نفت از همگرایی تا واگرایی بپردازیم. مفروض اصلی این مقاله آن است که دغدغه اصلی این جریان حفظ باورهای دینی، ارزش‌های اسلامی و استقلال کشور و شکل‌گیری حکومت اسلامی بود. لذا در مراحل اولیه نهضت با تشکلهای و جریانهای مذهبی ملی موجود در مبارزه با استعمار انگلیس و خلع ید سلطه بیگانه بر منابع کشور همسو و همگام بوده و در پیشبرد نهضت گام‌های موثری برداشتند لیکن با روی کار آمدن دولت مصدق و بروز اختلاف بواسطه عدم تحقق اهداف آرمانی فداییان اسلام همچون شکل‌گیری و اجرای احکام اسلام و حکومت اسلامی این همگرایی به واگرایی مبدل شد.

۱. چارچوب نظری

این نوشتار با رویکرد جامعه شناسی سیاسی به رشته تحریر درآمده است. جامعه شناسی سیاسی، سیاست را از چشم انداز جامعه و نیروهای اجتماعی بررسی می‌کند و بر مطالعه قدرت اجتماعی و نیروهای اجتماعی تاکید دارد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۳۴۹). به عبارتی مطالعه نقش گروه‌های اجتماعی همچون روحانیون، روشنفکران، دهقانان و سایر اقشار اجتماعی در سیاست و در دوره زمانی خاص در این حوزه صورت می‌گیرد و بدین سان نقش نیروهای اجتماعی در حیات سیاسی و تأثیر متقابل نیروهای اجتماعی و حکومت بررسی می‌شود. در این پژوهش با

_____ بررسی نقش فداییان اسلام در جریان ملی شدن صنعت نفت

رهیافت جامعه شناسی سیاسی نقش فداییان اسلام به عنوان یکی از نیروهای مذهبی شاخص و تأثیرگذار در نهضت ملی شدن نفت از همگرایی تا واگرایی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. روند شکل گیری، منش و ویژگی‌های فداییان اسلام

فداییان اسلام از گروه‌های مذهبی فعال در صحنه سیاسی ایران معاصر می‌باشند که در سال ۱۳۲۳ به دست طلبه جوانی به نام سید مجتبی میرلوحی مشهور به نواب صفوی تاسیس شد. هدف اصلی آن‌ها تشکیل حکومت اسلامی بود و اقدامات آن‌ها نوعی سدشکنی محسوب می‌شد (لک زائی، ۱۳۹۰: ۱۷۹).

به عقیده رسول جعفریان شهرت فداییان اسلام مدیون کلام نافذ رهبر آن‌ها نواب صفوی و ترورهای با اهمیت و پرسر و صدای آن‌ها در تاریخ معاصر ایران است. فداییان اسلام یک گرایش مذهبی انقلابی به شمار می‌رود که طی یک دهه فعالیت سیاسی جدی از ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۴ تأثیر عمیقی در صحنه سیاسی مذهبی ایران برجای گذاشت. این حرکت پس از یک دوره سرکوبی دینی مذهبی شدید در دوره رضاخان آغاز شد و با هدف اجرای قوانین اسلامی و حکومت اسلامی به روش خاص فداییان به سرعت رشد کرد. شمار اجرای قوانین شرعی و این که عمل به آن‌ها می‌تواند ایران را نجات دهد زمینه پذیرش مردمی فراوانی در میان متدینین داشت (جعفریان، ۱۳۹۲: ۲۱۷-۲۱۶).

به نظر سامعی فداییان اسلام نخستین سازمانی بود که فعالیت هایش دارای ابعاد ایدئولوژیک سیاسی و نظامی بود. آن‌ها عقیده داشتند که تنها از طریق مبارزه انتخاباتی و مطبوعاتی نمی‌توان با دشمنان مبارزه کرد لذا به تشخیص ضرورت مبادرت به اقدامات انقلابی و نظامی می‌کردند (سامعی، ۱۳۸۰: ۱۳۶).

علی دوانی پژوهشگر تاریخ اسلام معتقد است فداییان اسلام جوانان داغ و پرشور و تمام معنی کلمه انقلابی و واقعا فدائی اسلام بودند. احساس مسؤولیت دینی و متعهد و مسؤول بودن به بهترین وجه در فداییان اسلام ملاحظه می‌شود. اسلام برای آن‌ها هدف نه وسیله و با خلوص از اسلام و عظمت آن سخن می‌گفتند (دوانی، ۱۳۷۲: ۳۷۰).

از نظر حمید عنایت، فداییان اسلام صرفاً یک گروه سیاسی بودند و آنچه مایه شهرتشان بود بیشتر یک سلسله ترورهای سیاسی در سال‌های ۲۴ تا ۴۲ تا همفکری آن‌ها در مباحث دینی یا سیاسی، عنایت معتقد است اینان هرگز جنبش توده‌ای نشدند و همواره گـروهی از جان

گذشته باقی ماندند که خود را وقف پیگیری اهدافشان ساخته بودند هرچند برخی شعارهای ضد امپریالیستی شان گاه توده گیر می شد (عنایت، ۱۳۷۲: ۱۶۹).

سیدمحمدکاظم بجنوردی در مورد خط مشی فداییان اسلام می نویسد: «فداییان اسلام یک سازمان مذهبی باز بود. آرمان هایش آشکار و از لحاظ مبارزاتی مشی مسلحانه داشت و برنامه ای برای به دست گرفتن قدرت سیاسی نداشتند هرچند در جریانات روز حضوری فعال داشتند» (عیوضی، ۱۳۸۵: ۷۹).

فداییان اسلام با طرح اندیشه حکومت اسلامی بر دیگر رویکردهای فرهنگ سیاسی تشیع عرصه نوینی را گشودند. در میان چالشگران رژیم پهلوی فداییان اسلام به لحاظ برخورداری از توانمندی، شجاعت، شهامت، شیفتگی بسیار به عنصر آرمانی و ایده آل شهادت طلبی الهام بخش اقدامات انقلابی شدند. این جمعیت نه تنها کارآمدی بلکه مشروعیت سیستم سیاسی عصر خود را به چالش طلبید. با رویکرد محافظه کارانه تقابل داشت و تعامل را صرفاً براساس روش رادیکال خویش جستجو می کرد. فداییان اسلام فاقد مشخصه یک ساختار حزبی بودند. پایگاه اجتماعی آنها در میان هیأت‌های مذهبی بود. این گروه در صحنه سیاسی بیشتر عملگرا بودند و مبنای عمل خود را اصول اسلامی قرار دادند. عمل سیاسی فداییان اسلام براساس دو مبنا شکل گرفت: مبارزه عملی با افرادی که سعی در تضعیف ارزش‌های اسلامی داشتند و مبارزه علیه حضور انگلیس و مهره‌های آن در ایران. بارزترین روشی که آنها برای رسیدن به اهداف خود اتخاذ کردند پس از ناکامی در گفتگو، ترور افرادی بود که آنها را مانع آرمان‌های اسلامی می دانستند. لذا مهمترین استراتژی آنها حذف فیزیکی بود (عباسی، ۱۳۹۴: ۱۰-۸).

اولین اقدام فداییان اسلام موضع گیری صریح در برابر کسروی بود که با کتاب «شیعه گری» ارزش‌های شیعی را به چالش کشیده بود و نهایتاً وی به دست فداییان اسلام به قتل رسید. نواب صفوی اظهار کرده بود که فتوای شرعی قتل کسروی را از آیت الله حاج حسین قمی گرفته است. این اقدام فداییان اسلام بازتاب‌هایی در میان مراجع و علمای دین و مردم مسلمان کشور داشت و غالب علما و مردم از اقدام آنها حمایت کردند و به واسطه همین اعلام حمایت گسترده و تحت فشار افکار عمومی رأی براءت فداییان اسلام پس از بازداشت آنها را به دنبال داشت. رهایی فداییان اسلام به منزله یک پیروزی بزرگ برای آنها بود و همین واقعه ماهیت و اهداف دینی آنها را نزد اقشار مختلف جامعه و در نتیجه پیوستن جمع کثیری از جوانان مذهبی به این گروه در مسیر مبارزات عقیدتی-سیاسی شان شد (امینی، ۱۳۸۱: ۱۳۲-۱۲۷).

پس از ترور کسروی نویسنده غیرمذهبی سنت شکن هم رهبران مذهبی از فداییان اسلام پشتیبانی می کردند و هم مقامات حکومتی امیدوار بودند تا در برابر حزب توده از آن‌ها بهره برداری کنند. فداییان اسلام فعالیت خود را کماکان در یک سلسله اعتراض‌های سیاسی فرهنگی ادامه می‌داد (مقصودی، ۱۳۹۳: ۲۴۶). بدین سان با موفقیت فداییان اسلام در اجرای حکم اسلامی در مورد کسروی و استقبال بیش از حد جامعه مذهبی ایران از عمل آن‌ها زمینه لازم برای گسترش فعالیت‌هایشان فراهم شد. از طریق سخنرانی برگزاری مراسم‌های مذهبی و مسافرت به شهرهای مختلف. نفوذ کلام نواب و زمینه مذهبی ایجاد شده در جامعه موجب توجه مردم علما و احزاب به این جمعیت شد و همه جا هدف خود را آشنا کردن مردم با معارف اسلامی و زمینه سازی نهضت مردمی برای احقاق حقوق مسلمین بیان می‌داشتند(عباسی، ۱۳۹۴: ۱۱-۱۰).

فداییان اسلام به رهبری نواب که در سال ۱۳۲۴ برای مبارزه علیه مخالفین و دشمنان اسلام شکل گرفته بود پس از ترور کسروی و آگاهی‌هایی که از نظر سیاسی برای نواب پیدا شد مبارزه با استعمار در سرلوحه کار آن‌ها قرار گرفت و به شکل یک جمعیت سیاسی مذهبی فعال درآمدند (نجاتی، ۱۳۳۷، ۹۰). فداییان اسلام در شرح اندیشه‌های خود برای ایجاد حکومت اسلامی نخستین برنامه مفصل خود را به صورت یک قانون اساسی ارائه دادند این برنامه قاعدتاً می بایست در سال ۸-۱۳۲۷ فراهم و سال ۱۳۲۹ تحت عنوان اعلامیه فداییان اسلام یا رهنمای حقایق به چاپ رسید. در اوج سال‌های استبدادی سیاسی موجود در سال‌های ۲۹-۱۳۲۸ روند نگارش آن و مقدمات آن صورت گرفت (جعفریان، ۱۳۹۲: ۲۴۸).

حسینیان معتقد است با ملاحظه اعلامیه فوق فداییان اسلام به دنبال رژیم خاصی نبودند بلکه به دنبال این بودند که کارگزاران رژیم را با یک انقلاب درونی به عمل کردن به احکام و اخلاق اسلامی و قرآن دعوت کنند (حسینیان، ۱۳۸۴: ۱۰۱). ولی رسول جعفریان معتقد است فداییان یعنی نواب و دوستانش به هیچ روی به دولت حاکم (اعم از شاه و دولت) اعتقاد نداشته و از آن‌ها به عنوان غاصبین حکومت اسلامی یاد کرده اند و تلاش کرده اند تا برای این حکومت اسلامی برنامه منطقی براساس آگاهی‌های اجتماعی دینی خود فراهم کنند. دولتی که از آن به‌عنوان دولت علوی یاد کرده و ضمن آن از تأسیس حکومت اسلامی دفاع شده بود و دیدگاهی که قضاوت با دیدگاه‌های رایج بود در چنین برنامه ای نه روحانیونی مانند آیت الله کاشانی و نه

مرجعیت دینی، بودند. نقطه ثقل این اعلامیه اندیشیدن به مدینه فاضله اسلامی است (جعفریان، ۱۳۹۲: ۲۵۳-۲۵۰).

نویسنده کتاب اسلام سیاسی در ایران معتقد است فداییان اسلام مهمترین منادیان اسلام سیاسی در دهه ۲۰ در سیاسی کردن حوزه و روحانیت و گذار از اسلام سنتی به اسلام سیاسی نقش موثری ایفا کردند و ارتباط دین و سیاست را بسط دادند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۸۰-۱۷۵). سیدمهدی حسینی نواب صفوی را به عنوان رهبر جمعیت فداییان اسلام یک آرمانگرا می‌داند که ملاحظه محاسبات سیاسی اجتماعی را نمی‌کرد و معتقد بود در مسیر کار ما یا پیروز می‌شویم یا به شهادت می‌رسیم (حسینی، ۱۳۷۹: ۲۳۱).

ظهور نواب صفوی با اندیشه‌های بنیادگرایانه کاملاً معلول شرایط اجتماعی و تاریخی بود که وی در آن به سر می‌برد. بنیادگرایی توأم با رادیکالیسم و انقلابی‌گری نواب صفوی و فداییان اسلام نخستین بنیادگرایان تاریخ معاصر اسلام به مفهوم فوق می‌باشند. اندیشه‌های نواب واکنشی به دین زدایی شدید و گاه خشونت بار پهلوی بود. نواب دفاع از مکتب در برابر هجوم وارده را برخورد واجب می‌دانست و معتقد بود در این هجوم بعضی از کارگردانان مملکت آلت دست بیگانه شده و سپر کفار شده، لذا با دفع آن‌ها باید هجوم را دفع کرد. نواب تلاش داشت از اسلام ایدئولوژی سیاسی بسازد و در جامعه دین زدایی شده آن روز از تعلیمات و آموزه‌های شیعی برای سازماندهی گروهی به نام فداییان اسلام بهره برد که علاوه بر داشتن جهان بینی و آرمان‌ها و ارزش‌های دینی خاص خود، همچنین نیروهای فوق العاده‌ای برای نیل به آن غایات در پیروان خود ایجاد می‌کرد و برای رسیدن به آن اهداف به سوی اقدامات سیاسی اجتماعی سوق می‌داد. او معتقد بود اسلام منابع مکتبی و عاطفی کافی برای برانگیختن توده‌ها و دفاع از هدف و حریم استقلال دارد و نیاز به ایدئولوژی‌های دیگری چون ناسیونالیسم نیست.

نواب کوشید با افزودن غیرت و شور دینی به رهیافت قانون مدار و برجسته کردن برخی از عناصر جهادی و انقلابی دینی مانند شهادت، عدالت خواهی و دفاع در برابر فساد و ظلم از خصلت محافظه کارانه آن بکاهد و بر خاصیت انقلابی اش بیفزاید لذا او منکر پارادایم فقهی و رهیافت قانون مدار گذشته فقها نبود و بر همان اساس سخن می‌گفت لیکن در این پارادایم و رهیافت نقیصه‌هایی می‌دید که با برطرف کردن آن‌ها سعی داشت یک ایدئولوژی سیاسی ارائه دهد و بر آن اساس حرکتی اجتماعی و سیاسی را پایه‌گذاری کند (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۲۶۰-۲۵۵).

۳. هم کنشی و ائتلاف اولیه فداییان اسلام و آیت الله کاشانی

جمعیت فداییان اسلام به عنوان یک تشکل سیاسی - مذهبی موثر در مبارزه با استبداد و استعمار و جریان‌های انحرافی جامعه در نهضت ملی نفت و جریان‌های سیاسی کشور نقش و تأثیر ویژه‌ای داشته است. نواب صفوی رهبر جمعیت فداییان اسلام به عنوان یک آرمان خواه اسلامی، مشارکت و دخالت در سیاست و برانداختن استبداد و متعاقباً احیای حقوق و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در حیطه قوانین اسلامی را در رسالت و تکلیف شرعی دینی خود تلقی می‌کرد. به اعتقاد گروهی از صاحب‌نظران همراهی، همیاری و همفکری وی و تشکل سیاسی اش در جریان نهضت ملی نفت و به عنوان بازوی اجرایی این نهضت در رفع موانع عدیده و پیروزی نهضت قطعاً موثر بوده است. و نواب صفوی بنیانگذار جمعیت اصول‌گرا و مبارز فداییان اسلام با هدف برپایی یک نظام اجتماعی مبتنی بر اسلام آن تشکل سیاسی را بنا نهاد (امینی، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۳). به اعتقاد امینی فداییان به عنوان جریانی اسلام‌گرا و تشکلی اسلامی سیاسی مذهبی که هدف اولیه آن دفاع از اسلام در مقابل جریان‌های انحرافی و غیردینی در جامعه به خصوص جریان کسروی‌گری بود، تا جایی که با اقدام مسلحانه کسروی از میان برداشته شد. در جریان ملی شدن نفت با آیت‌الله کاشانی که رهبری جریان مذهبی نهضت را بر عهده داشت و در قالب مبارزات در پی کسب حقوق ملت مبارزه می‌کرد پیوند خورد و در راستای برداشتن موانع نهضت ملی شدن با جبهه ملی و ملیون همکاری کرد هرچند پس از ملی شدن نفت این ائتلاف گسسته شد (امینی، ۱۳۸۱: ۴۸-۵۰).

پس از بازگشت آیت الله کاشانی از تبعید در خرداد ۱۳۲۶ نواب صفوی برای دیدار به منزل ایشان رفته یک میعاد و میثاق بزرگ بین آن‌ها شکل گرفت و نواب مطرح کرد که در اجرای احکام اسلام و رسیدن به هدف دینی خود با مشورت شما تا آخرین نفس استقامت خواهد کرد، از همین جا پایه همکاری آن‌ها گذاشته شد و پیمان و دوستی و اتحاد میان آن‌ها استقرار شد و همسویی مبارزات سیاسی - اجتماعی شکل گرفت تا آنجا که رهبری مبارزات فداییان تحت فرمان آیت الله کاشانی و با اجرای نواب و یارانش صورت می‌گرفت و نواب هیچ کاری بدون توافق ایشان انجام نمی‌داد (قنات آبادی، ۱۳۷۷: ۲۳-۲۲).

با انتخاب هژیر توسط مجلس به نخست وزیری شدیدترین اعتراضات از سوی فداییان اسلام صورت گرفت و ساعاتی پس از رای اعتماد مجلس گردهمایی و تظاهرات گسترده‌ای از سوی نواب و جمعیت فداییان اسلام برپا شد. آیت الله کاشانی نیز نسبت به هژیر خوشبین نبود و

اعلامیه شدیدالحنی علیه نخست وزیر منتشر کرد. پس از مشاوره و گفتگوی بین آیت‌الله کاشانی و نواب صفوی مقرر شد تظاهرات گسترده‌ای علیه هژیر برپا شود و نواب صفوی با سخنرانی در بازار تهران بازاریان را به تعطیلی بازار ترغیب کرد. سه روز بازار تعطیل شد و مردم در مسجد سلطانی گرد هم آمدند. در ۲۷ خردادماه تظاهرات گسترده‌ای از سوی چندین هزار روحانی و قشرهای مختلف مردم به رهبری نواب صفوی علیه هژیر برپا شد که با درگیری با نظامیان تعداد زیادی از روحانیون و مردم آماج گلوله قرار گرفتند. همین مسأله موجب نزدیکی وکلای جبهه ملی آیت‌الله کاشانی و نواب صفوی شد. همچنین آیت‌الله بروجردی نیز با اعلامیه‌ای حمایت قاطع خود را از مبارزات کاشانی علیه هژیر اعلام کرد (امینی، ۱۳۸۱: ۱۶۸-۱۶۶). از طرفی فداییان اسلام هم به عنوان گروه رادیکال اسلامی و در حمایت آیت‌الله کاشانی بود و در شکل‌گیری و موفقیت جبهه ملی بسیار موثر بود و به عنوان شاخه نظامی غیررسمی جبهه ملی عمل می‌کرد. آیت‌الله کاشانی از ترورهای سیاسی فداییان اسلام حمایت می‌کرد و اعلام می‌کرد این افراد قابل مجازات نیستند و یک عمل شرعی انجام داده‌اند. حسنین هیکل نویسنده مصری معتقد است رهبر روحانی جمعیت فداییان اسلام در سطح اعلی آیت‌الله کاشانی بود ولی رئیس اجرایی عملیات گروه مستقیماً نواب صفوی بود (زارع‌شاهی، ۱۳۸۰: ۶۰).

حمایت آیت‌الله کاشانی از برخوردهای مسلحانه علیه حکومت، تأیید فداییان اسلام و ترورهای سیاسی آن‌ها و اعلام اینکه این افراد یک عمل شرعی انجام داده‌اند در اجتماعات آنروز کم‌کم مردم مسلمان را به مبارزه شدید وادار می‌ساخت (مدنی، ۱۳۸۷: ۳۳۶).

در همین راستا آیت‌الله کاشانی پس از قتل رزم آرا توسط خلیل طهماسبی از فداییان اسلام و از یاران این اقدام او در راه خدمت به ملت ایران و برادران مسلمانش انجام شده است و در حقیقت حکم اعدام رزم آرا را ملت صادر کرده و خلیل طهماسبی مجری اراده ملت ایران بوده است» (مدنی، ۱۳۸۷: ۳۵۴). کما اینکه فداییان اسلام با ترور هژیر وزیر دربار شاه که جریان تقلب در انتخابات را هدایت کرده بود، باعث تزلزل موقعیت دربار و بطلان انتخابات دوره ۱۶ مجلس و در نتیجه راهیابی دکتر مصدق و پیروانش به عنوان نمایندگان تهران در مجلس شدند (نجفی، ۱۳۹۰: ۳۰۳). همکاری فداییان اسلام با نهضت ملی بخصوص مجازات افرادی نظیر هژیر و رزم آرا که در مقابل خواسته‌های مردم مقاومت می‌کردند زمینه را برای ملی شدن نفت فراهم نمود (نجفی، ۱۳۹۰: ۳۰۴).

_____ بررسی نقش فداییان اسلام در جریان ملی شدن صنعت نفت

بدین سان حضور سیاسی این جمعیت با قتل هژیر و تجدید انتخابات مجلس شانزدهم آغاز شد که نقش موثری در تجدید انتخابات و باعث ورود آیت الله کاشانی و ۸ تن از اعضای جبهه ملی در این مجلس شد و نفت مهمترین مسأله مطرح شده در مجلس شانزدهم شد و ورود نمایندگان مردمی بخصوص کاشانی و اعضای جبهه ملی و بررسی مسأله نفت در کمیسیون به ریاست مصدق سرآغاز نهضت ملی شدن نفت محسوب می‌شد (عباسی، ۱۳۹۴: مقدمه).

با ترور هژیر توسط فداییان اسلام مبارزان اسلامی و ملیون احساس پیروزی می‌کردند و روحیه مبارزه و مقاومت در آن‌ها تشدید شده بود. با ورود ملیون و آیت الله کاشانی به مجلس شانزدهم نقطه آغازین مبارزه برای ملی شدن نفت در مجلس شانزدهم شکل گرفت. هرچند نواب صفوی فهرست کاندیدایی که آیت الله کاشانی برای وی ارسال کرده بود مورد نقد قرار داد اما استدلال کاشانی مبنی بر نبود رجال مذهبی سیاست ورزیده در حال حاضر و لزوم استفاده از رجال سیاسی ملی، نواب را قانع کرد و نهایتاً یکی از تاریخ سازترین مجالس قانونگذاری یعنی مجلس شانزدهم با حمایت فداییان شکل گرفت (امینی، ۱۳۸۱: ۱۷۹-۱۷۷). با وارد شدن فداییان اسلام به مبارزات سیاسی و ائتلاف با برخی جریان‌های مذهبی و ملی مذهبی به دلایل شرایط خاص نهضت ملی نفت و سپس اوضاع سیاسی پس از ملی شدن نفت در کشور، تحولات سیاسی جامعه مشارکت و حضور همه گروه‌های فعال سیاسی و غیرسیاسی را در پیشبرد اهداف نهضت ملی طلب می‌کردند. فداییان اسلام هم از همین نظر نقش خود را در این برهه با حذف چهره‌های مخالف انتخابات آزاد و نهضت ملی به خوبی ایفا کردند و مسیر پیروزی نهضت را هموار کردند (امینی، ۱۳۸۱: ۹۳).

سه نیروی مهم اپوزیسیون به خاطر اهداف مشترک متحد شدند. آیت‌الله کاشانی چهره مخالف حاکمیت که در تبعید به سر می‌برد، فداییان اسلام که برای برقراری نظام اسلامی سخت تلاش می‌کردند. نیروهای ملی که به نام اقلیت دوره پانزدهم تصویب قرارداد الحاقی را به تأخیر انداخته بودند و این اتحاد و همدردی مقدمه‌ای برای همکاری‌های بعدی شد (حسینیان، ۱۳۸۴: ۲۸-۲۷).

ورود کاشانی و نواب به میدان مبارزه در مقابل هژیر و همراهی آیت الله بروجردی با خواست آن‌ها، نیروهای مذهبی را در جامعه فعال کرد. جعفریان معتقد است موج مبارزات مذهبی جدید مرکبی بود که جبهه ملی که اندکی بیش از انتخابات مجلس شانزدهم تشکیل شده بود، بر آن سوار شود (جعفریان، ۱۳۹۲: ۲۲۶). و به عقیده هرنندی هرچند نفت به طور رسمی با

تلاش پارلمانی جبهه ملی، ملی شد، اما حتی شکل گیری جبهه ملی با پشتوانه مردمی فداییان اسلام تحقق پذیرفت (هرندی، ۱۳۹۲: ۴۶). به عقیده دوانی بی گمان جمعیت فداییان اسلام و رهبر شهید آن، نواب صفوی و شهید واحدی در تقویت و روی کار آمدن جبهه ملی و تصویب ملی شدن نفت و انتخاب اعضا جبهه ملی به نمایندگی مجلس و بازگشت آیت الله کاشانی نقش اساسی داشتند و به طور قطع اگر قیام مسلحانه آن ها نبود هیچکدام از موارد فوق عملی نمی شد (دوانی، ۱۳۷۷: ۴۴۳).

آیت ا...سید جعفر شبیری زنجانی که هم‌رزم نواب صفوی بوده و در مسیر مبارزه، با فداییان اسلام همراه بود بیان می‌کند از سال ۱۳۲۹ که مسأله ملی شدن نفت مطرح شد علاقه‌مندی ایشان با نواب آغاز می‌شود و معتقد است ملی شدن نفت به برکت نامه نواب به نمایندگان مجلس بود که آن ها جرأت مخالفت پیدا کردند و به اتفاق آراء رای به ملی شدن نفت دادند (مصاحبه با آیت ا... شبیری زنجانی، ۱۳۹۶).

۴. روی کار آمدن رزم آرا و شکل گیری ائتلاف علیه وی

تصویب قرارداد الحاقی مورد نظر انگلیس، نیازمند روی کار آمدن نخست وزیری مقتدر بود و او کسی جز رزم آرا نبود. علیرغم تلاش دو مستشار سفارت آمریکا برای همکاری کاشانی با رزم آرا، کاشانی بلافاصله اعلامیه ای بر ضد رزم آرا صادر و نواب صفوی هم راهپیمایی اعتراض آمیز به سوی مجلس ترتیب داد. مصدق هم اعلامیه آیت الله کاشانی در مخالفت با رزم آرا را در ضمن مجلس قرائت کرد هرچند به خاطر وجود یک اکثریت همسو با دربار در مجلس نخست وزیری رزم آرا تحقق یافت. فداییان اسلام نقش خود را در ابراز مخالفت‌های مردمی به صورت حضور در بین تماشاچیان مجلس و اجتماع اعتراض آمیز هزاران نفری در میدان بهارستان ایفا کردند و رزم آرا حتی با دادن وعده به فداییان برای همراهی آن‌ها با خود ناکام شد (هرندی، ۱۳۹۲: ۴۸-۴۹). و حتی بهنگام تظاهر رزم آرا به ارادت به احکام اسلامی نواب در پاسخ بهترین نشانه صداقت وی را ملی کردن نفت خواند. در این زمان فداییان اسلام به عنوان مهمترین تشکل مذهبی انقلابی در یازدهم اسفند ۲۹ اجتماع عظیمی در مسجد سلطانی تهران برگزار کردند. رزم آرا مهمترین مانع ملی شدن صنعت نفت بود لذا فداییان اسلام مصمم به ترور وی شدند و در این باره با سران جبهه ملی دیدار و توافقاتی حاصل شد و آیت الله کاشانی هم با مهدورالدم دانستن رزم آرا فتوای قتل وی را داده بود. سیاسیون جبهه ملی هم با این اقدام

_____ بررسی نقش فداییان اسلام در جریان ملی شدن صنعت نفت

موافق بودند و در نتیجه رزم آرا در ۱۶ اسفند ۲۹ در حال ورود به مجلس تحریم آیت الله فیض به دست خلیل طهماسبی ترور شد (جعفریان، ۱۳۹۲: ۲۲۷-۲۲۶).

آیت الله کاشانی ترور انقلابی رزم آرا توسط طهماسبی را مورد تأیید و قتل وی را بزرگترین ضربه تقدیر و به انگلیسی‌ها نشان داد که ایران کشور بیست سال پیش نیست. وی ضمن تأیید تبرئه و آزادی خلیل طهماسبی از اعضای فداییان اسلام اقدام وی را خدمت به مملکت دانسته و بیان می‌دارد که فداییان اسلام تروریست نیستند و تمام ملت ایران فدائی اسلام و وطن می‌باشند (علوی، ۱۳۷۶: ۹۳-۹۲). خلیل ملکی به صراحت به قدرت رسیدن جبهه ملی را مرهون ترور رزم آرا توسط خلیل طهماسبی عنوان می‌کند (خسروشاهی، ۱۳۸۴: ۴۵).

در واقع مبارزات پارلمان‌تاریستی و حزبی که در آن آیت الله کاشانی و جبهه ملی نقش داشتند و توانسته بود از پیشروی جناح دربار انگلستان و آمریکا جلوگیری کند و همه راه‌های سیاسی مسدود شده بود نهضت ملی با بازوی اجرایی فداییان اسلام از بحران خارج شد و یکی از موانع بزرگ ملت در رسیدن به حقوق ملی خویش از میان برداشته شد و ترور رزم آرا توسط فداییان آن چنان اثر بخش بود که فردای آن روز کمیسیون نفت به اتفاق آراء اصل ملی شدن نفت در سراسر کشور را پذیرفت و طی یک هفته نفت از سوی مجلسین ملی اعلام شد (امینی، ۱۳۸۱: ۲۰۳-۱۹۸).

ترور رزم آرا توسط فداییان اسلام که با موج افکار عمومی همراه بود موجب شد رژیم پهلوی به روی کار آمدن یک دولت ملی وادار شود. دکتر مصدق با طرح اجرای قانون ملی شدن نفت نخست وزیر شد و اتحاد تاکتیکی نیروهای مذهبی ملی به رهبری آیت الله کاشانی و دکتر مصدق دولت ملی را به اوج قدرت رساند (نجفی، ۱۳۹۳: ۱۰۰). نواب صفوی در پاسخ به خبرنگار پاکستانی که چرا با حکومت ملی گرای دکتر مصدق همکاری می‌کنید می‌گوید: «دکتر مصدق فعلاً در راه نهضت مردم ایران کار می‌کند ملی شدن نفت بین ما و مصدق یک هدف مشترک است بهمین دلیل ما از وی پشتیبانی کرده ایم». (خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۴۰). وی علیرغم توطئه دشمنان در ایجاد اختلاف و نفاق نمی‌گذاشت که همکاری با آیت الله کاشانی نیز به تضاد درون گروهی بدل شود. در کمال احترام از آیت الله کاشانی به عنوان پدر بزرگوار یاد می‌کند و به یارانش هشدار می‌دهد که اسائه ادب به ساحت وی خلاف تکلیف و به ضرر اسلام و ایران است (خسروشاهی، ۱۳۸۴: ۶۴-۶۳).

۵. شکل گیری شکاف میان فداییان و جبهه ملی و آیت... کاشانی

دور روز بعد از ترور رزم آرا، میتینگی جلوی مجلس شورای ملی برگزار می‌شود و نماینده فداییان اسلام می‌گوید: «ما طرفدار حکومت اسلامی هستیم. حکومت باید اسلامی شود. اساس اسلامی شدن حکومت است» و سپس اعلامیه‌ای از جانب فداییان اسلام پخش می‌شود. و بعد از این اعلامیه آقای کاشانی به نواب می‌گوید: «این اعلامیه را تکذیب کنید». به عقیده عبدخدایی مرحوم کاشانی در این برهه یک روحانی مصلحت اندیش است و نه یک روحانی مبارز پرخاشجو. مرحوم نواب اعلامیه را تکذیب نکرد و حتی شاه را هم تهدید می‌کند. حتی نواب ذهنیتی پیدا می‌کند که بین جبهه ملی و آیت الله کاشانی و شاه توافقی در مورد تشکیل کابینه علا صورت گرفته است. در دوره زمامداری علا فداییان اسلام و سید واحدی دستگیر شدند اختلاف فداییان اسلام با مرحوم کاشانی از همین جا شروع شد. بعد از رزم آرا مرحوم نواب معتقد بود سازش سه جانبه ای بین دربار جبهه ملی و کاشانی صورت گرفته و فداییان اسلام قربانی این سازش شده اند. فداییان اسلام تا آخر فروردین با جبهه ملی و کاشانی همکاری داشتند و اردیبهشت ۱۳۳۰ از آن‌ها جدا می‌شوند و اختلافات از همین زمان با روی کار آمدن دکتر مصدق علنی می‌شود (حسینی، ۱۳۷۹: ۸۶-۸۴).

لذا قطع ارتباط فداییان اسلام با آیت الله کاشانی از زمان علا شروع شد و در زمان مصدق شدت گرفت. مرحوم نواب می‌گفت: «ما اختلاف آرمانی با آقای مصدق و آقایان جبهه ملی داریم و اگر آقای مصدق حکومت را اسلامی کنند اختلافی در بین ما نیست». به عقیده عبدخدایی، آیت الله کاشانی هم فکر می‌کرد که حکومت اسلامی را نمی‌توان فعلا به وجود آورد. و می‌گفت اجرای احکام اسلام میسر نیست. در حالی که مرحوم نواب گرچه در فقه و تفسیر به پای آیت الله کاشانی نمی‌رسید اما آرمانش حکومت اسلامی بود. آیت الله کاشانی تفکرات روشنفکری اش با تفکرات مذهبی اش ممزوج شده بود و طرفدار شیوه پارلمانتاریستی بود و طرفدار مبارزه و برخورد خشن نبود و معتقد بود حکومت را باید از طریق پارلمان به دست آورد لذا وجه اشتراکش با مصدق همین روحیه پارلمانتاریستی بود (حسینی، ۱۳۷۹: ۹۷-۹۱).

۶. تفاوت منش آیت... کاشانی و نواب صفوی «منشاء اختلاف»

به‌طور کلی آیت‌الله کاشانی و نواب صفوی دارای دو طرز فکر مختلف در تاکتیک‌های مبارزاتی بودند. آیت‌الله کاشانی شخصیتی مجتهد، سیاستمدار و پارلمانتاریست و عملگرا بود و

در تصمیم گیری‌های سیاسی اش ضمن آینده نگری بسیار با احتیاط بود و شرایط سیاسی کشور در تصمیم گیری های سیاسی اش تاثیر داشت اما در مقابل نواب صفوی یک آرمانگرا بود و با اعتقادات دینی و آرمانگرایی اسلامی به دنبال نیل سریع به اهداف اسلام گرایانه و اندیشه های دینی خود بود و در این مسیر هیچ گونه ملاحظه سیاسی نداشت. این دو تفکر و اندیشه متفاوت قطعاً نمی توانست آن دو را در مبارزات و تصمیم گیری های سیاسی به طور مداوم همراه سازد چنانچه به رغم همراهی ایشان در خصوص مسائلی چون فلسطین، انتخابات مجلس شانزدهم نهضت ملی نفت قتل رزم آرام مبارزه با استعمار انگلیس، لیکن در موضوعاتی چون اجرای سریع احکام و دستورات اسلامی پس از روی کار آمدن مصدق، حضور اشخاصی چون دکتر بقایی و شمس قنات آبادی در بیت آیت الله کاشانی و مواردی از این قبیل موجب جدایی فداییان از ائتلاف اولیه شد. برخی سران فداییان اسلام را اصلاح طلبان رادیکالی می دانستند که خواستار اصلاحات حق گرایانه در سطح دولت و حکومت بودند. اما استراتژی آن ها مبارزه مسلحانه بود. آیت الله کاشانی که در بسیاری از مواضع و تاکتیک های مبارزاتی با نواب صفوی همفکر بود، لیکن برای حفظ وحدت ملی و جلوگیری از تسخیر کشور توسط کمیسیون ها و حزب توده همچون بسیاری از علما و مراجع به برچیده شدن اساس نظام پادشاهی نمی اندیشید (امینی، ۱۳۸۱: ۲۳۷-۲۳۶).

نواب صفوی معتقد بود در این دوره با ورود یازده نفر از اعضای جبهه ملی و آیت الله کاشانی به مجلس و تشکیل فراکسیون قوی و منسجم اقلیت در آنجا که این اقلیت از حمایت توده مردم ایران و خصوصاً تهران برخوردار و به قدری نیرو داشت که تمام مجلس و تمام مملکت را به دنبال خود می کشید لذا از این همه احساسات ارزنده و توفنده باید به نفع اسلام استفاده کرد ولی گروه مقابل می گفتند خیر باید نفت را ملی کرد (خوش نیت، ۱۳۸۵: ۷۵).

نواب صفوی معتقد بود دکتر مصدق با نیروی عظیم مردمی که در پشت سر خود داشت باید می دانست که مردم اسلام و اجرای احکام آن را می خواهند و فداییان اسلام و مردم با دیدن چهره روحانی آیت الله کاشانی و شعارهای کوبنده الله اکبر فداییان اسلام پا در میدان ایثار نهاده اند لذا یا قبول رهبری نهضت نمی کردند یا خود را هضم در اسلام و پاسخگوی خواسته های مردم می شدند اما مصدق هیچیک از این راه ها را در پیش نگرفت. به هر حال تا زمانی که رهبران قیام با هم اتفاق نظر و یگانگی داشتند ملت هم یکدل و یکصدا همچنان به

راه خود ادامه می دادند تا نهضت به موفقیت برسد ولی به واسطه قدرت طلبی و کشمکش ریسمان اتحاد و یگانگی پاره شد و نهایت امر نهضت ناکام شد (خوش نیت، ۱۳۸۵: ۱۶۰-۱۵۸). مفهوم ناسیونالیسم با بینش فداییان اسلام بیگانه بود و اقدام مصدق در تقویت بازوی غیرمذهبی دولت و خودداری از قبول رهنمودهای پیشوایان دینی موجب شد تا فداییان در چرخشی سریع رویاروی مصدق قرار گیرند مخالفت فداییان با هر جریان منجمله کاشانی در حوزه ایدئولوژیکی و مردمی است و مطلق گرایی بینش فداییان اسلام باعث می شد تا کارایی سیاسی هم به صورت یک هدف طلبی درآید (کاتم، ۱۳۸۵: ۱۸۴).

آیت الله کاشانی در جواب درخواست اجرای احکام اسلام و حکومت اسلامی فداییان اسلام می گفت: «نمی شود شماها جوانید پرشورید از سیاست خبر ندارید». نظر فداییان اسلام این بود که ملی شدن نفت هم فرع بر اجرای احکام اسلام است اما مرحوم کاشانی به ایشان گفته بود بگذار نفت ملی شود و مصدق هم در پاسخ به فداییان اسلام می گفت: «کابینه من آخرین دولت نخواهد بود. فداییان اسلام، اسلام خواهی را بگذارند برای کابینه‌های بعد از من» (حسینی، ۱۳۷۹: ۹۷-۹۱). لذا فداییان اسلام هرچند ابتدا از اهداف ملی مصدق حمایت می کردند اما قبل از کاشانی از او فاصله گرفتند بهمین جهت مصدق در سال ۱۳۳۰ نواب صفوی را دستگیر کرد اما سازمان فداییان اسلام همچنان برجای ماند (آوری و دیگران، ۱۳۷۱: ۲۹۷-۲۹۶). به گفته ی مصدق فداییان خواسته‌هایی داشتند که او نمی توانست همه آن‌ها را برآورده سازد همچون اجباری کردن حجاب زنان در سراسر کشور، اخراج کارمندان زن از ادارات، منع مشروبات الکلی (مقصودی، ۱۳۹۳: ۱۱۷). آزادی کامل این گروه در رهایی رهبران آن از زندان از دیگر خواسته‌های آنان بود (عظیمی، ۱۳۷۴: ۳۵۲-۳۵۱). کشمکش فداییان اسلام با آیت الله کاشانی و دکتر مصدق تا پایان حکومت مصدق ادامه داشت حتی از طرف مصدق همه اعضای جمعیت فداییان و خود نواب دستگیر و مدت‌ها در زندان بودند (دوانی، ۱۳۷۷: ۴۴۱).

به گفته حمیدرضا ترقی در پی اختلاف نواب، کاشانی و مصدق علما هم به چند دسته تقسیم شدند و نهضت ملی ضربه خورد عده ای همچون آیت الله گنجی، سید جواد طالقانی و میلانی با مصدق ماندند اما بقیه جدا شدند و همچون کاشانی رو در روی مصدق قرار گرفتند (میرخلیلی، ۱۳۸۹: ۱۶۶).

زارع شاهی معتقد است بروز اختلاف میان کاشانی و فداییان اسلام و دکتر مصدق زمینه‌های تضعیف نهضت‌های ملی و در نهایت شکست جبهه ملی را فراهم کرد (زارع شاهی، ۱۳۸۰: ۹۹-۹۸).

یرواند آبراهامیان معتقد است فداییان اسلام و گروه کاشانی هم از نظر ترکیب اجتماعی و هم از نظر برداشت‌های ایدئولوژیکی متفاوت بودند. در حالیکه گروه کاشانی را بیشتر اقلیت طبقه متوسط سنتی کشور پشتیبانی می کردند اعضای اندک فداییان اغلب از میان جوانان دارای مشاغل رده پایین در بازار بودند. مضاف بر این در حالیکه کاشانی از نظر سیاسی عملگرا بود فداییان اسلام به طور جذمی متعهد به اسلام بنیادی بودند و خواسته‌هایی همچون منع الکل، سیگار، تریاک، حذف رشته‌های غیراسلامی، مقرر کردن حجاب برای زنان و ... مطرح می کردند (آبراهامیان، ۱۳۸۳: ۲۳۳-۲۳۲).

ترور رزم آرا توسط فداییان پایان یک بحران سیاسی در کشور بود و مقدمات روی کارآمدن دولت دکتر مصدق را فراهم کرد. فداییان اسلام مدعی هستند قتل رزم آرا با توافق جبهه ملی و نیز آیت الله کاشانی صورت و آن‌ها قول دادند در صورت روی کار آمدن مصدق حکومت اسلامی اعلام و احکام اسلام اجرا شود و این همان چیزی بود که فداییان اسلام را در مقابل جبهه ملی قرار داد. هنگامی که با پاسخ منفی مصدق رو به رو شدند فداییان به تدریج سرخورده شدند. به ویژه آنکه روابط فداییان با کاشانی هم به علت نزدیک شدن کاشانی به دربار و حضور افراد نزدیک به دربار در منزل وی کم کم تیره شد و این همه موجب بی طرفی فداییان در منازعات و مناقشات سیاسی شد. به طوری که نواب صفوی پس از آزادی از زندان اعلام کرد: «ما دوره فترت را آغاز می کنیم. چون دعوی شاه و مصدق بر سر مبانی مکتبی نیست بر سر حکومت است و من دعوی مکتب و حکومت اسلامی دارم لذا من سکومت می کنم» (مقصودی، ۱۳۹۳: ۲۴۸-۲۴۷).

به طور کلی به لحاظ سیاسی آیت الله کاشانی شخصیتی عملگرا واقع بین و با درایت بالای سیاسی بود و در چارچوب نظام موجود مبارزه می کرد در حالی که فداییان اسلام جمعیتی آرمان گرا و بنیادگرا بودند که اساساً به نظم موجود و نخبگان حاکم مگر به اقتضای پای بندی ایشان به شریعت و التزام عملی آن‌ها به اجرای موازین شرع اعتماد نداشته و خواهان برانداختن وضعیت موجود بودند لذا این دو جریان سیاسی با دو نگرش نمی توانستند مگر به ضرورت در جبهه‌های واحد آرمان‌ها و اهدافی مشترک را تعقیب کنند. البته در کنار مسائل فوق موارد دیگری هم بر دامنه جدایی‌ها می افزود بخصوص اینکه فداییان اسلام به شدت با حضور افرادی چون شمس قنات آبادی و مظفر بقایی در بیت آیت الله کاشانی مخالفت و آن‌ها را عامل جدایی کاشانی و خود می دانستند (مقصودی، ۱۳۹۳: ۱۰۰-۹۹).

از طرف دیگر به عقیده ریچارد کاتم زمینه‌های جدایی و شقاق فداییان اسلام از آنجا ناشی می‌شد که مفهوم ملی‌گرایی یکسره با بینش فداییان اسلام بیگانه بود و اقدام مصدق در تقویت بازوی غیر مذهبی دولت و خودداری از قبول رهنمودهای پیشوایان دین موجب شد تا فداییان اسلام با چرخش سریع رویاروی مصدق قرار گیرند (کاتم، ۱۳۸۵: ۱۸۴). از طرفی ائتلاف جبهه ملی و فداییان اسلام یک اتحاد تاکتیکی و نه استراتژیکی بود و همچنین در ترکیب جبهه ملی از هواداران آرمان‌های لیبرال دموکراتیک تا طیف‌های متمایل به چپ همانند حزب زحمتکشان و نیروی سوم و ملی‌گراهای دو آتشفشان مانند پان‌ایرانیست‌ها نام برده شده که همه آن‌ها به سکولاریزم حداقلی تأکید داشتند در حالی که فداییان اسلام آرمانگرایان اسلامی بودند که تنها به تشکیل حکومت اسلامی می‌اندیشیدند لذا این دو جریان ماهیتاً قابل جمع نبودند و فقط در ملی‌کردن نفت و مبارزه با انگلیس مواضع مشترک داشتند (امینی، ۱۳۸۱: ۱۰۴-۱۰۲). تفاوت عمده میان فداییان اسلام دولت ملی و حتی آیت‌الله کاشانی بر سر اجرای احکام اسلامی بود. دولت ملی در پی تحقق این شعار نبود و دغدغه تشکیل حکومت اسلامی را که آرزوی فداییان بود نداشت. دکتر مصدق فقط به دنبال نجات کشور از سلطه انگلیسی‌ها و خلع ید شرکت نفت انگلیس و ایران بود در پی همین اختلافات فداییان اسلام اعلامیه تندی علیه کاشانی و جبهه ملی منتشر کردند. نواب تنها زندانی سیاسی نخست‌وزیری مصدق بود و تلاش‌های دوستانش برای آزادی وی ناکام ماند. فداییان در نگاه بسیاری گرفتار تندروی و در عین حال مظلومیت شدید شده بودند و کماکان به موضع‌گیری پرداختند. نشریه نبرد ملت به شدت به تبلیغ بر ضد دولت ملی مصدق پرداخت فداییان در اندیشه ترور افتادند و بر این باور بودند که دکتر فاطمی وزیر خارجه مصدق در دور کردن دولت ملی از دین نقش اساسی دارد و علت سختگیری بر فداییان و زندانی نواب، وی می‌باشد. برخلاف دکتر مصدق که نخست به فاطمی اطمینان داشت تصور فداییان حذف وی بود. این کار به دست محمدمهدی بخارایی صورت گرفت و منجر به زخمی شدن وی شد پس از ترور فاطمی عده‌ای از فداییان به زندان افتادند (جعفریان، ۱۳۹۲: ۲۳۱-۲۲۹). عبدخدائی مطرح می‌کند که با شرکت در جلسات فدایان اسلام به این نتیجه رسیده بود که مصدق در صدد مکلوک کردن مذهب و مذهبی‌ها است و می‌خواهد به جای انگلیس، آمریکا را بر ایران مسلط کند از میتینگ فداییان اسلام جلوگیری می‌کند بسیاری از فداییان و رهبران شان را به زندان انداخته که همه این‌ها به خاطر مخالفت با مذهب می‌باشد (حسینیان، ۱۳۸۴: ۷۶-۷۵).

فداییان اسلام، فاطمی را یکی از عوامل موثر جدایی خط اسلامی نواب صفوی از دولت ملی می شناختند فاطمی ضمن معاونت سیاسی دکتر مصدق ایدئولوژی وی محسوب می شد. فاطمی در جریان ترور رزم آرا با فداییان اسلام همفکر و هم نظر بود و حتی در جلسات تصمیم گیری جبهه ملی و فداییان اسلام حضور داشت برخی اختلافات ایجاد شده در خط فکری سیاسی فداییان اسلام با جبهه ملی و دکتر مصدق در جدایی فاطمی و فداییان موثر بود خصوصا که بازداشت نواب و اعضا حملات بر این شکاف را دامن زده بود و همچنین سیاست خارجی دولت ملی مورد مناقشه بود. فاطمی در روزنامه باختر شدیدترین حملات را علیه فداییان اسلام داشت (امینی، ۱۳۸۱: ۲۷۰). هرندی معتقد است علیرغم اینکه جبهه ملی برای اجرای احکام اسلام با فداییان عهد بسته بود اما مصدق در زمان نخست وزیری نه تنها به این تعهد عمل نکرد بلکه مقدمات سرکوب آن ها را فراهم و شایعه سازی درباره قصد فداییان اسلام برای ترور مصدق نیز زمینه را برای حذف این پشتوانه بر انگیزه نهضت ملی نفت، بیش از پیش آماده کرد (هرندی، ۱۳۹۲: ۵۱).

کاتوزیان معتقد است پاسخ کاشانی نیز به برخی خواسته های فداییان در راستای حکومت اسلامی منفی بود فداییان هم به همین اندازه با سیاست های کاشانی مصدق و اعضای جبهه ملی مخالف بودند حملات فداییان به مصدق کاشانی و بقائی فاطمی و سایر رهبران برجسته نهضت ملی در سرتاسر زمامداری مصدق ادامه داشت (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۹۹).

نتیجه گیری

بنا بر آنچه گذشت نقش فداییان اسلام به عنوان پیشگامان اسلام سیاسی که در دهه ۲۰ به رهبری نواب صفوی باهدف تشکیل حکومت اسلامی شکل گرفته بود در مراحل مختلف نهضت ملی نفت متفاوت بود در مراحل اولیه نهضت این جریان دینی با مشی مسلحانه در مبارزات ملی ایفای نقش نمود و در رفع موانع نهضت کوشید. در این مرحله میان نیروهای مذهبی ملی یعنی آیت ا... کاشانی و دکتر مصدق و جبهه ملی و فداییان اسلام در مبارزه با سلطه انگلستان ائتلاف و همگرایی شکل گرفت. فداییان اسلام در انتخابات مجلس ۱۶ علیرغم اختلافات با برخی کاندیداها بنا بر توصیه آیت ا... کاشانی به حمایت از آن ها پرداخته و حضوری فعال داشتند و هژیر را که عامل تقلب در انتخابات بود از میان برداشتند که نتیجه آن راهیابی ملیون و آیت ا... کاشانی به مجلس ۱۶ بود و همچنین به دنبال انتصاب رزم آراء به نخست وزیری و مخالفت

آیت... کاشانی و جبهه ملی با این انتصاب به عنوان مانع ملی شدن نفت فداییان اسلام نیز همسو با رهبران نهضت ملی و جبهه ملی در تجمعات و تظاهرات علیه وی که با توصیه‌های آیت... کاشانی شکل گرفته بود شرکت کردند و نهایتاً این مانع را نیز با توافق حاصله میان رهبران نهضت از میان برداشتند. بدین سان عملکرد فداییان اسلام در این مقطع و در راستای همگرایی کنشگران سیاسی وحدت گروه‌های مرجع و تقویت مشارکت عمومی بود. لیکن بدنبال شکل‌گیری دولت ملی و نخست‌وزیری مصدق هرچند ابتدای امر فداییان به پشتیبانی از دولت پرداخت لیکن به تدریج شکاف میان فداییان اسلام و دولت و جبهه ملی آغاز شد آن‌ها به اجرای حکومت اسلامی و احکام اسلام پافشاری می‌کردند ولی جبهه مقابل بر اجرای قانون اساسی و تقویت و تشکیل دولت ملی تکیه داشتند. بدین سان میان طرفداران نیروهای مذهبی و طرفداران آیت... کاشانی و طرفداران فداییان اسلام نیز انشعاب حاصل شد اتحاد میان فداییان اسلام و نیروهای ملی مذهبی تاکتیکی بود و میان آن‌ها اختلاف آرمانی وجود داشت. به لحاظ سیاسی کاشانی شخصی عملگرا و در چارچوب نظام موجود مبارزه می‌کرد درحالیکه فداییان اسلام جمعیتی آرمانگرا بوده و به نظم موجود و نخبگان سیاسی حاکم اعتماد نداشتند و روش آن‌ها رادیکال بود و با رویکرد محافظه‌کارانه تقابل داشت. بدین ترتیب واگرایی میان آن‌ها و نیروهای ملی مذهبی پدیدار گشت.

فهرست منابع

- اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۸۶). *دین و سیاست در اندیشه‌های سیاسی معاصر*، تهران: پژوهشکده، مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- امینی، داود (۱۳۸۱). *جمعیت فداییان اسلام و نقش آن در تحولات سیاسی اجتماعی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- آبراهامیان، پروانه (۱۳۸۳). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: مرکز تاریخ و فرهنگ معاصر.
- آوری، پیتر و گاوین همبلی (۱۳۷۱). *سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج*، ترجمه ی عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- بشیریه، حسین (۲۱۳۸). *عقل در سیاست*، تهران: نگاه معاصر.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۲). *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران*، تهران: نشر علم.

_____ بررسی نقش فداییان اسلام در جریان ملی شدن صنعت نفت

حسینی زاده، سید علی (۱۳۸۶). اسلام سیاسی در ایران، قم: دانشگاه مفید.
حسینی، سید مهدی (۱۳۷۹). خاطرات محمدمهدی عبدخدائی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
حسینیان، روح‌الله (۱۳۸۴). نقش فداییان اسلام در تاریخ معاصر ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

خسروشاهی، هادی (۱۳۸۹). زندگی و مبارزه نواب صفوی، تهران: اطلاعات.
خسروشاهی، هادی (۱۳۸۴). یادواره شهید نواب صفوی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
خوش نیت، سیدحسین (۱۳۸۵). سید شهید نواب صفوی، اندیشه‌ها و مبارزات، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

دوانی، علی (۱۳۷۷). نهضت روحانیون ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
دوانی، علی (۱۳۷۲). زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع آیت الله بروجردی، تهران: مطهر.
زارع شاهی، احمدعلی (۱۳۸۰). علل تشکیل و انحلال جبهه ملی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

سامعی، احمد (۱۳۸۰). انقلاب اسلامی و نهضت‌های ملی مذهبی معاصر، تهران: چکاد.
سفار هرندی، مرتضی (۱۳۸۷). نقش آفرینان عصر تاریکی، جریان شناسی گروهی از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران: موسسه انتشارت روزنامه ایران.

عباسی، ابراهیم (۱۳۹۴). فداییان اسلام به روایت تصویر، تهران: مرکز اسناد و انقلاب اسلامی.
عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۴). بحران دموکراسی در ایران، ترجمه هوشنگ مهدوی. تهران: البرز.
علوی، مهوش سادات (۱۳۷۶). آیت الله کاشانی و سیاست، تهران: سوره.
عنایت، حمید (۱۳۷۲). اندیشه‌های سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی.

عیوضی. محمدرحیم (۱۳۸۵). جامعه شناسی اپوزیسیون در ایران، تهران: قومس.
قنات آبادی، شمس‌الدین (۱۳۷۷). سیری در نهضت ملی شدن صنعت نفت، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات اسلامی.

کاتم، ریچارد (۱۳۸۵). ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: کویر.
لک زائی، نجف (۱۳۹۰). تحولات سیاسی اجتماعی ایران معاصر، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مدنی، جلال الدین (۱۳۸۷). تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد اول، قم: انقلاب اسلامی.
مقصودی، مجتبی (۱۳۹۳). تحولات سیاسی اجتماعی ایران، تهران: روزنه

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال یازدهم، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۸

میرخلیلی، سیدجواد (۱۳۸۹). روحانیت و انقلاب اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۸). جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تهران:
شرکت سهامی انتشار.

نجفی، علی (۱۳۹۳). انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، گرگان: نوروزی.
نجفی، موسی؛ حقانی، موسی (۱۳۹۰). تاریخ معاصر ایران، اصفهان: آرماد.